

آینه

یادداشت: «منظره»؛ جاوید قربان‌وعلی

علی‌الظاهر «امیرزطلیبی» از طریق دعوت به مناظره، روش جدید اصولگرایی است که هنوز خماری شکست ۲۴ خرداد از سرشان بیرون نرفته. در موضوع هستم‌ای گلابه روحانی از طرح بحث توسط عدای کم‌سواد و دعوت از دانشگاهیان برای ورود به میدان و طرح نظرات خود، پاسخی از سر ناچاری و اکراه به خیل مدعیانی است که در چندماه گذشته برای سروش‌گذاشتن بر سیاست‌های هشت‌سال گذشته و سیانمایی در دستاوردهای بزرگ چندماه گذشته از هیچ روشی، اعم از نقد ناچوارانه در تریبون مجلس، نمازهای جمعه، مساجد و منابر و چاپ و انتشار کتاب، درج مقالات در نشریات و فضای مجازی فروگذار نکردند.
تاللا: اگر مردم معیار اصلی فضاوت در مورد سیاست‌ها باشند، رای آنان به روحانی و روی‌گردانی از سیاست‌های مدعیان هشت‌سال گذشته خود بزرگ‌ترین شاخص بر سنجش عملکرد هسته‌ای قیل و بعد از ۲۴ خرداد است. قیلا گنگنام و بر سر این باورم که مردم در انتخابات اخیر به رویکرد روحانی در سیاست خارجی و این منطق که باید در کنل «چرخش سانتریفیوژ»، چرخ‌های اقتصاد کشور، نیز برگردد، رای داندند.

جم‌وی اسلامی

سر مقاله: «فرهنگ عذر خواهی»

رییس‌جمهور روحانی، در گفت‌وگوی تلویزیونی شب پنجشنبه به‌خاطر اشکالاتی که در توزیع سبد کالایی اهدایی دولت به مردم وجود دارد از مردم عذرخواهی کرد. قبل از ایشان، وزیر نیرو نیز به‌خاطر قطع‌شدن چندروزه آب برق بعضی شهرهای استان‌های شمالی کشور از مردم این استان عذرخواهی کرده بود. این اقدام دو مقام ارشد دولتی آنهم به‌خاطر مشکلاتی که پدیدآمدن آنها عمدی نبود، افق جدیدی است که به روی مردم گشوده شد و باید آن را به فال نیک گرفت.

تازان

یادداشت: «بدعت شیرین آقای رییس‌جمهور»؛ مرتضی گلپور

آخرین گفت‌وگوی تلویزیونی رییس‌جمهور با مردم، حاوی بدعت تازه‌ای بوده، بدعتی که باید آن را به فال نیک گرفت. حسن روحانی در این برنامه بابت مشکلاتی که درباره تهیه سبد کالایی ایجاد شده است، از مردم عذرخواهی کرد. این عذرخواهی، نه یک امر تشریفاتی و تعارف، بلکه به صورت صریح و به‌عنوان رییس‌جمهور خطاب به مردم ابراز شده است. این برای نخستین‌بار است که یک رییس‌جمهور نسبت به دردهای که مردم بابت برنامه‌های دولت دچار آن شده‌اند، چنین کلماتی را بر زبان می‌آورد. سال‌ها بود که نخبگان سیاسی و اجتماعی، نبود فرهنگ عذرخواهی را از عارضه‌های سیاسیون و دولتمردان می‌دانستند

کیمان

سر مقاله: «انتظار این بود و هست»؛ لاله افتخاری
آقای رییس‌جمهور اساتید دانشگاه‌های ما خاموش نیستندو از جمله تعداد قابل توجهی از خدمتگزاران ملت در کسوت نمایندگی مجلس، هیات‌علمی دانشگاه‌ها یا فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های‌باشند که از قضا بسیاری از آنان به‌خاطر مسوولیتی که دارند به سو گندنی که یاد کرده‌اند تا از نظام و منافع ملت دفاع کنند دغدغه‌ها و دیدگاه‌های خود را در مورد مذاکرات ژنو تقدیم کردند که متأسفانه برخلاف فرمایش آقا که ضمن خوشبینی نسبت به تیم مذاکره‌کننده راه نقد باز است و به‌رغم دعوت به اظهارنظر از سوی حضر تعالی، آن را برنتابیدید و آنها و دیگر منتقدان را عداای معهود کسبواذ که از جای خاصی تذهیه می‌شوشند!
نابیدید اکنون این‌سوال مطرح است که مرکز هوشمند نظارت بر باسوادی و بی‌سوادی منتقدان و همراهان و مهر آی‌های خضر تعالی کجاست؟...
آقای رییس‌جمهور نباید به‌گونه‌ای برخورد شود که خدای نخواستہ این تصور پیش‌آید که گویی نرمش قهرمانانه به نرمش محرمانه در برابر دشمن تبدیل شده است و مردم نیز نمایندگان ملت با شک و شبهه به مذاکرات ژنو بیندیشند و نسبت به اجرای آن دغدغه داشته باشند.
باید همسو با کسانی باشیم که ۹دی آفرین شدند و در سرمای ۲۲ بهمن بهار آفرینند.

رسالت

سر مقاله: «بایسته‌های دولت در مدیریت برداشت عمومی»؛امیر محبیان

دولت دکتر روحانی بر فراز امواجی از خوش‌بینی بر سر کار آمد. اما چندی است که در روابط دولت و افکارعمومی و نیز نمایندگان مردم در مجلس و دولت اختلافاتی دیده می‌شود که اگر به‌مدستی تحلیل و بررسی نشده و مشکلات فرارو رفع نگردد، می‌تواند باعث بروز مشکلاتی جدی در تنظیم روابط دولت و مجلس و نیز دولت با افکار عمومی گردد. بخشی مهم از این اختلال در روابط به عدم برخورد حرفه‌ای و علمی با موضوع مهم‌مدیریت برداشت‌پازگشت‌می‌کند.اختلالی که هیچ عزم جدی برای رفع آن مشاهده نمی‌شود... مدیریت برداشت عمومی اقدامی کاملاً حرفه‌ای و علمی است؛ مدیریت رسانه‌ای تنها بخشی کوچک از آنست. متأسفانه شاهدیم که حتی مدیریت رسانه‌های نیز برای اصلاح یا تثبیت افکار عمومی و انتقال منطق توجیهی و اقناعی منطقی بر کارآمدی لازم صورت نمی‌گیرد. از این‌رو بهین نیست موج‌های کوچک مخالفت با دولت تا چندی دیگر به عواملی موج‌ساز علیه دولت تبدیل گردد. به نظر می‌رسد دکتر روحانی برای رفع این نقیصه باید ستادی ویژه حتی تا حد ستاد بحران برای دولت در جهت مدیریت افکار عمومی و نیز تنظیم روابط با مجلس تاسیس نماید.



علی‌محمد نمازی، نایب‌رئیس مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی

عبرت‌گرفتن از گذشته به‌عنوان چراغ راه آینده بسیار حایزاهمیت است. به همین دلیل بخش عمده قرآن کریم به سرگذشت اقوام و ملل اختصاص دارد. همچنین از مباحث مهم رشته ادبیات، تاریخ و وقایع‌نگاری است.

ای کاش در دهه فجر و سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی عملکردهای دستاوردها با اهداف انقلاب و خواسته‌ها و حقوق ملت که در قانون اساسی به‌خوبی تبلور یافته به‌صورت علمی، دقیق و واقعی مقایسه و نقاط ضعف و قوت، شناسایی و از کسانی که به وظایف خود به‌خوبی عمل کرده‌اند قدردانی و دلایل ناکامی‌ها مشخص می‌شد و مقصران احتمالی نیز مورد بازخواست قرار می‌گرفتند اما آنچه به رویه تبدیل شده عموماً تعریف‌کردن و به‌به‌گفتن است و به‌همین خاطر

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

علی‌محمد نمازی

سیاست

نگه

یادی از انقلاب

آنان که توان انجام مسوولیت محوله را ندارند یا دارای ضعف هستند نقدکردن را معمولاً به مخالفت تعبیر می‌کنند: از تبعات چنین حالتی شدت‌یافتن ضعف‌ها و انحرافات و از دست‌رفتن فرصت اصلاح امور است.

پس از مقدمه مذکور دلایل مختلفی با تأثیرات متفاوت منجر به اوج‌گرفتن مخالفت‌ها با رژیم پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی شد که از جمله آنها وابستگی رژیم به آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر و ایفای نقش ژاندارمی در منطقه در راستای منافع آنان، پارتی‌بازی، رشوه‌خواری و دیگر مناسد اداری، تبعیض وی‌بی‌عدالتی، سلب آزادی‌ها، سانسور، عدم‌تحمّل منتقد مخالف و به‌جسب افکندن، تبعید و اعدام مخالفان، بی‌توجهی و حتی مخالفت با ارزش‌های دینی، رواج فرهنگ و هنر مبتدل و... بود.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی:
۱- در زمینه استقلال نته‌ن‌ها هیچ وابستگی‌ای به

روایت ماشاءالله شمس الواعظین از توصیه بنیانگذار انقلاب به روزنامه‌ها:

امام(ره) گفتند عکس مرا دیگر نزنید



نیروهای اسرائیل و سوریه در بلندی‌های جولان خبرنگار و عکاس داشتند و در اکثر بحران‌های جهانی حضور داشتند. تا سال ۵۵ که یک حزب فراگیر به اسم «رستاخیز» شکل گرفت و آن جمله معروف پهلوی که گفت: «هر که موافق این حزب است عضو شود و هر که مخالف است گذرنامه‌اش را بدهیم بپروء» این اثر منفی گذاشت. بعد «آیندگان» هم آمد و این دو روزنامه، روزنامه‌های معتبر این دوران بودند که برای نقد و انتشار اخبار هم آزادی بیشتری داشتند. پیش از انقلاب روزنامه «رستاخیز» را حرفه‌ای‌ترین روزنامه اواخر دوران پهلوی می‌دانم، مگر اینکه سند دیگری آورده شود. این روزنامه در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای کاملاً آزاد عمل می‌کرد و نخیه‌گردا بود و این به پرسنل و گردانندگانی که اداره این روزنامه را عهدمدار بودند، مربوط می‌شد، ممیزی‌هایی که در «کیهان» بود آنجا کمتر نمود داشت، چون حزب

وابسته به خودشان بود. خوب

است این را بگویم که «کیهان»

ان دوران و «رستاخیز» با «الاهرام»

مصر رقابت می‌کردند و در منطقه

رقیب دیگری نداشتند. سندیکا

روزنامه‌نگاران در بحبوحه انقلاب،

برای باز شدن فضا و درین فضای

سانسور نقش بسیار زیادی ایفا کرد.

علایم وجود آزادی در جوامع دو

چیز است: آزادی مطبوعات و

احزاب. در بحبوحه انقلاب روزنامه

کیهان، اطلاعات و آیندگان به

تریبونی برای انقلاب و تمام بحث‌های مربوط به حرکت

«آیتالله خمینی» تبدیل شدند. همه اینها را در گردش

آزاد اطلاعات می‌بینید. فضا طوری بود که در آستانه

انقلاب خود من از رادیو بی‌بی‌سی فارسی شنیدم که

گفت: «خبرهای ایران را از طریق مطبوعات داخلی ایران

بخوانید.» این یعنی ما چیز دیگری بیشتر از آنچه در خود

ایران مطبوعات انتشار می‌دهند، نداریم.

۲- به‌ر حال مطالبات جامعه محقق نشد و مردم به

انقلاب روی آوردند.

من با یک خاطره از مرحوم احسان نراقی جواب

می‌دهم. در سال ۵۱ یا ۵۲ با وساطت قرح، او با شاه

ملاقات می‌کند و به شاه می‌گوید: «صدای خوبی از

دانشگاه‌ها نمی‌رسد دست به اصلاحات بزنید»، شاه

می‌خندد و می‌گوید: «شما روشنفکران از توده‌های مردم

بی‌خبرید. من با توده‌های مردم ارتباط نزدیکی دارم و آن

چیزی که شما می‌گویید نیست» این می‌گذرد تا سال‌های

۵۴، ۵۷ که قیام‌ها شروع می‌شود. این‌بار شاه، «احسان

نراقی» را می‌خواهد و می‌گوید: «پیش‌بینی من نادرست

از آب در آمد؛ پیش‌بینی شما درست بود، حالا بگویید

چه کنم؟» نراقی پاسخ می‌دهد: «حالا هیچ کاری نمی‌شود

کرد.» اینکه یک دولتمرد زمان اخذ یک تصمیم مناسب

برای ایجاد اصلاحات و فرم در کشور را تشخیص می‌دهد،

به این می‌سوزد و دولت‌مرد، در زمان بحران که بحران

مدیریت می‌کند، جنبش اجتماعی ایران بود که شاه را

رشد امر مذکور بی‌تأثیر نبوده است.

۵- تقریباً همانند افزایش درآمد نفتی قبل از انقلاب که برنامه مناسبی برای جذب آن وجود نداشت در مورد درآمد کلان نفتی در دولت نهم و دهم نیز برخورد صحیح صورت نگرفت و شاهد پیسرفت شاخص‌های اصلی اقتصاد نسبت به دوره دولت اصلاحات بودیم. علاوه بر آن بدهی‌های دولت به بانک‌ها، صندوق‌های بانزنشستگی و بیمه‌انکاران بسیار افزایش یافت و باوجود اینکه شعار اصلی دولت نهم و دهم تأمین عدالت و ساماندهی معیشت مردم و مبارزه با فساد بود، دولت‌های مذکور در زمینه‌های سابق‌الذکر چندان موفق نبودند.

۶- در زمینه دموکراتیک نظام تعداد زیادی از روزنامه‌ها و بعضی از مجلات به محاق تعطیلی رفت و فعالیت در عرصه فرهنگ و هنر با تنگناهایی مواجه شد، خانه سینما و تشکل مطبوعاتی‌ها و خبرنگاران تعطیل شد، کتاب‌های زیادی گرفتار ممیزی و عدم چاپ شدند، قانون جرم سیاسی هنوز تدوین و تهیه نشده و اصول قانون‌اساسی بعضاً اجرا نمی‌شود.

چندان موفق نبودند.

یعنی ملازمه‌ای وجود دارد بین آزادی مطبوعات و امنیت‌ملی، باوجود برخی مشکلات در اطراف مرزها اما شاخص امنیت‌لی بالا بود. همه حافظ دستاوردی بودند که به زحمت زیادی به‌دست آورده بودند. ناآرامی‌های مرزی وجود داشت اما قابل کنترل بود نه با قوه قهریه که با گفت‌وگو. کسانی که می‌گویند آزادی بیان منجر به کاهش سطح امنیت‌ملی می‌شود اصلاً اینطور نیست. هر وقت شاهد «بهار اقتصادی» و.و.و دیدم اما برعکس هروقت هوای مطبوعات ابری می‌شد، فساد هم گسترش پیدا می‌کرد.

۲- استاندارد کار روزنامه‌نگاری در مرحله دوم یعنی بعد از انقلاب با سال‌های منتهی به انقلاب برابری می‌کرد؟

در دوره (۵۶ تا ۶۱) همه نهاده‌های برآمده از انقلاب دارای نشریه شناسنامه‌دار شدند ولی تراز روزنامه‌نگاری پایین آمد و نشریات، ایدئولوژیک شدند. به‌دلیل برداشته‌شدن تور سانسور و تور وحشت، همه گرایش‌های خود را مطرح می‌کردند همه‌چیز شفاف شده بود. تراز روزنامه‌نگاری ایران در دوره‌ای که صحبت می‌کنیم کاملاً گفتمان را ایدئولوژیک و حزبی کرد. «بگو با که دوستی تا بگویم دشمنیت کیست» صدوفسر، سیاموسفید، رنگ‌های مختلفی که در انقلاب شرکت کردند آرام‌آرام خود را به رنگ‌های مشخص می‌دادند. البته از جاده انصاف نباید خارج شد که برای پاره‌ای از گروه‌ها پویه‌گروه گوره تروریستی، به سرعت جنبش را رادیکالیزه کردند و مسوولان انقلاب و مردم را به وحشت انداختند و در کاهش سقف آزادی‌ها بسیار موثر بودند و در ایجاد بدبینی در میان رهبران، نسبت به اینکه جامعه هنوز ظرفیت دموکراسی را ندارد و آرام‌آرام فشار بر مطبوعات بیشتر شد و روزنامه‌نگاری «طرفدار، جایگزین شد. در همین چارچوب استاندارد حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در بنگاه‌های بزرگ، مثل کیهان و اطلاعات البته رعایت می‌شد و جالب‌داره نبود. هرچند دچار جنگ میهنی شدیم و لازم بود که همه بسیج شوند، این به‌جای خود، ولی گفت‌وگوهای زیادی با دولت موقت، اپوزیسیون در این روزنامه‌ها داشتیم و برای یک دوره‌ای حتی بعد از ایندهای که «بهار تهران» نام گرفته بود خوب کار می‌شد، تا پایان دهه ۶۰ پادم نمی‌آید حتی یکبار از دفتر امام بابت خبری با ما تماس گرفته باشند. تنها یکبار امام ما را به جماران احضار کردند و گفتند: «عکس مرا دیگر نزنید، چرا همه‌اش عکس من است یا عکس...»

۲- خود شما حاشیه‌اشدید؟

بله، آقای ندایی و حاج احمد‌آقا هم بودند. من حتی استدلال حرفه‌ای کردم که شما فرمانده کل قوا هستید و هر حرقتان می‌تواند سرنوشت جنگ را عوض کند. اما ایشان می‌گفتند: «یعنی چه همه‌اش عکس و تیتز یک را از من، نخست‌وزیر یا رییس‌جمهوری و رییس قوه‌قضاییه می‌زنید، این کار معنا ندارد، روزنامه را سبک می‌کنند» در صریحه نور هست این موضوع. از نگاه ویژه و ژرف امام خمینی نسبت به مساله مطبوعات خیلی تعجب کردم که می‌گفتند چرا همه‌چیز را دولتی کرده‌اید.

۲- نگاه جهانی که گفتید در روزنامه‌نگاری سال‌های منتهی به انقلاب وجود داشت هم کم‌رنگ شد؟

بله کم‌رنگ‌شد ولی وقتی کار می‌کردیم آدم‌های باتجربه به ما می‌گفتند: «شما که دوره گذرا را به سر می‌بردید، دورانی را می‌گذرانید که باید کارمان ثبات بگیرد.» ترسان از آزادی‌های بی‌حدوصر این است که کلتش را از دست بدهیم، اما آزادی‌های محدود و پیوسته، پایدارتر از آزادی‌های نامحدود خواهد بود چون آزادی نامحدود ممکن است ناپیوسته شود.» این توصیه را به ما می‌کردند اما اینکه من به شما می‌گویم.

۲- تراز روزنامه‌نگاری فعلی را چطور می‌بینید؟

با همه احترامی که به همکارانم دارم، تراز فعلی روزنامه‌نگاری بی‌ادآور دوران انحطاط مطبوعات است که امیدواریم تغییر کند.

۲- چشم‌انداز را چطور می‌بینید؟

من امیدوارم، «مید یک واژه نیست، فرآیند تحقق یک آرزوست.

ادامه از صفحه اول

نقش ارتش

در پیروزی انقلاب اسلامی

محمدرضاشاه نیز مانند پدرش پایه اصلی قدرت خود را بر ارتش گذارد و به‌جز شخص شاه هیچ مقامی حق دخالت در امور ارتش، شهرپانی، ژاندارمری و ساواک را نداشت و به گفته ارتشبد حسین فردوست این سازمان‌ها به‌دقت مراقب یکدیگر بودند. استراتژی نظامی ایران بیشتر بر تهدیدهای امنیتی داخلی استوار بود و به‌همین دلیل بیعی از نیروی زمینی ارتش در تهران مستقر بود و ارتش تقریباً هیچ ماموریتی برای مقابله با دشمن خارجی برای خود طراحی نکرده بود جز مواردی که به‌خواسته قدرت‌های بزرگ ماموریت‌های موقتی در بازه برای سرکوب «جناح مردمی برای آزادی عمان» یا سرکوب بلوچ‌ها در پاکستان را اجرا کرد. از اوایل دهه ۱۳۴۰ش، شاه با نظارت مستقیم خود ارتش را به مطمئن‌ترین پشتوانه حکومت شاهنشاهی تبدیل کرد و از نفوذ جریان‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی در ارتش به‌شدت جلوگیری کرد. به‌نحوی که کادر نظامی حتی اجازه شرکت در انتخابات و عضویت در احزاب سیاسی اگاه‌نخته را نیز نداشتند.

باوجود سیاست‌های حکومت برای غیرسیاسی‌نگه‌داشتن ارتش، نیروهای مسلح ابزار اجرای سیاست‌های شاه در داخل و خارج بود و با وقوع انقلاب سفید ماموریت‌های غیرنظامی نظیر سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج و آبادانی و.. به ارتش واگذار شد و شاه اغلب افسران ارشد را به مقام‌های گوناگون در کابینه، ارگان‌های دولتی، سفارتخانه‌های ایران در خارج، استانداری‌ها، شهرداری شهرهای بزرگ و مقام‌های مهم امنیتی می‌گمارد و با امتیازهای مادی فراوانی که به آنها می‌داد از وفاداری آنان به تاج و تخت سلطنت اطمینان کامل داشت و برای جلوگیری از تبدیل ارتش به یک مرکز قدرت سیاسی، شاه‌شخصاً در ترفیع و انتصاب و جابه‌جایی فرماندهان نظامی همچون شرط‌نچ‌بازی ماهر عمل می‌کرد و روسای نیروهای سه‌گانه ارتش و ژاندارمری و شهرپانی و ساواک به‌طور مستقیم به شاه گزارش می‌دادند و بدون اجاز‌ه شاه حق ارتباط با یکدیگر را نداشتند و تخصیص سهم منابع ملی به نیروهای مسلح توسط شخص شاه تعیین می‌شد. جاسازی افسران ارتش از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجب انزوای سیاسی آنها و در نتیجه ناتوانی آنان برای تصمیم‌گیری سیاسی در مواقع اضطراری شد. از طرفی تبعیض ناروایی مقامات ارشد نظامی که موردتوجه شاه بودند و بدنه ارتش زمینه را برای بروز اختلاف در داخل ارتش فراهم کرد.

شاه آنچنان سرنوشت خود را با فرماندهان ارتش و حامیان خارجی خود گره زده بود که پس از انعقاد موافقتنامه ایران و آمریکا در مهر ۱۳۳۸ر، شاه‌سما از آمریکا دخالت فوری نیروهای نظامی کشورهای متحد آمریکا را برای دفاع از حقوق و تعامیت ارضی ایران درخواست کرد که خروشچف در عکس‌العملی شدید شاه را عروסק آمریکایی‌ها خوانده و اعلام کرد: شاه از ملت خود می‌ترسد. بنابراین برای حفظ جایگاه خود با آمریکایی‌ها قرارداد می‌بندد ولی نمی‌داند هیچ نیروی خارجی‌ای کسی را از دست ملت خویش نجات نخواهد داد. بعد از انعقاد قرارداد همکاری بین دولت ایران و آمریکا و حضور گسترده مستشاران آمریکایی شاه برخلاف مقررات بین‌المللی در مورد نظامیان آمریکایی، کاپیتولاسیون(قضاوت کنسولی) را برقرار کرد که با عکس‌العمل شدید امام‌خیمیه(ره) مواجه شد که زمینه‌ساز قیام ۱۵ خرداد و سرکوب قیام توسط مسزودوران رژیم شاه و تبعید امام شد. با اوج‌گیری ناآرامی‌ها در سال ۵۶ که در پی توخیم به امام‌خیمیه(ره) بروز و ظهور پیدا کرد، شاه مجبور شد از نظامیان بخواهد برای مقابله با حرکت انقلابی مردم وارد میدان شده و نظر را برقرار کند. شاه در مصاحبه مطبوعاتی خود در ۲۳ اردیبهشت ۵۷ اعلام کرد: «این شورش‌ها را دو گروه تجزیه‌طلبان و ساسیون قدیمی رهبری می‌کنند، تظاهرات ضدیمهنی چندروز اخیر کار کسانی است که به سلامتی پیشه‌ووری شراب می‌خورند و یا کسانی که می‌خواهند ایران را ایرانستان کنند و این شورش‌ها به عقاید بچه‌چی، احسانیه، ععیب و غیرقابل درک مربوط می‌شوند.» پیرو اوامر ملوکانه، دولت شریف‌امانی بنا به پیشنهاد روسای ساواک و اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران از روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و ۱۱ شهر بزرگ دیگر حکومت‌نظامی برقرار کرده و نیروهای شهرپانی، ژاندارمری و نیروی زمینی ارتش ریز نظر فرمانداری نظامی که مستقیم تحت امر وزیر به‌دشمن مطبوعاتی خود عهددار شدند. اختلاف و تبعیض بین فرماندهان و نیروهای زیردست از همان ابتدای برقراری حکومت‌نظامی مشهود بود، وقایعی نظیر تیراندازی و کشتار فرماندهان به‌دولت، از لوزسان، ناقرمانی پرسنل نظامی در مقابله با مردم، بیوسنت گروهای نظامی به مردم و شرکت در تظاهرات، خطر هسته‌سنگی درونی ارتش را نمایان می‌کرد. ناتوانی ارتش برای مبارزه با قشون عظیم مردمی در تظاهرات خیابانی، نتیجه استراتژی خردمندانه امام‌خیمینی(ره) در مقابله با ارتش بود. امام در رویارویی مردم با ارتش به‌دنبال شکستن زنجیره ارتباطی بین شاه و ارتش بود و تأکید داشت که در مقابل خشونت ارتش، مردم از خود خویشنداری نشان دهند. یک خبرنگار خارجی در گزارشی از ایران اعلام کرد: پیام امام‌خیمینی به مردم این بود: «به سینه ارتش حمله نکنید، بلکه به سوی قلبش نشانه‌گیرید. شما باید به قلب‌های نظامیان متوسل شوید، حتی اگر آنان به شما شلیک کردند و شما را کشتند، نگارید آنها پنهان‌نهار، ۱۰هزار، ۲۰هزار نفر را بکشند، آنها با ادران ما هستند و ما به آنها خوشامد خواهیم گفت، ما به آنها ثابت خواهیم کرد که خون از شمشیر قدرتمندر است.»مردم در مقابله با ارتش گل‌های میخک سرخ و سفید بر لوله تفنگ و مسلسل نظامیان قرار می‌دادند و سربازان را گلباران می‌کردند.

ادامه در صفحه ۱۴